

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١١٤٩٧



دانشگاه رازی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

عنوان پایان نامه

بررسی آرای نقدی مندور

استاد راهنما:

دکتر علی سلیمی قلعه ای

استاد مشاور:

دکتر شهریار همتمی

نگارش:

خالد شکوری

دیماه ۱۳۸۷

۱۱۴۰۹۷



كلية الآداب و العلوم الإنسانية

قسم اللغة العربية

الأطروحة لنيل درجة الماجستير في فرع اللغة العربية و آدابها

العنوان:

«دراسة آراء مندور النقدية»

الأستاذ المُشرف:

الدكتور على سليمى قلعه‌ای

الأستاذ المُساعد:

الدكتور شهريار همتی

الإعداد:

خالد شكوری

كرمانشاه ديسمبر ۲۰۰۸

۱۳۸۸ / ۳ / ۳۱

مركز دراسات مركز علي بيگ
تستيز و مركز



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی



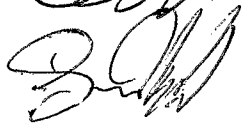

توسط:

خالد شکوری

با عنوان:

بررسی آرای نقدی محمد مندور

در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۱ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنما دکتر علی سلیمی با مرتبه علمی استادیار امضاء) 
- ۲- استاد مشاور دکتر شهریار همتی با مرتبه علمی استادیار امضاء) 
- ۳- استاد داور داخل گروه دکتر فرامرز میرزایی با مرتبه علمی دانشیار امضاء) 
- ۴- استاد داور خارج از گروه دکتر محسن پیشوایی با مرتبه علمی امضاء) 



كلية الآداب و العلوم الإنسانية

قسم اللغة العربية



«دراسة آراء مندور النقدية»

الأطروحة لنيل درجة الماجستير في فرع اللغة العربية و آدابها

حَقَّقَهَا:

خالد شكورى

نُوقِشت في جلسة الدفاع في تاريخ ١٣٨٧/١٠/١١

- | | | | |
|---|---------|----------------|---|
|  | امضاء) | الدرجة العلمية | ١- الأستاذ المُشرف: الدكتور على سليمى قلعه‌اى |
|  | امضاء) | الدرجة العلمية | ٢- الأستاذ المُساعد: الدكتور شهریار همتى |
|  | امضاء) | الدرجة العلمية | ٣- الأستاذ الحكم: الدكتور فرامرز ميرزائى |
|  | امضاء) | الدرجة العلمية | ٤- الأستاذ الحكم: الدكتور محسن پيشوائى |

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.

سپاسگزاری:

بر خود لازم می‌دانم که بنا بر حدیث شریف نبوی «من لم یشکر الناس لم یشکر الخالق» از راهنمایی‌های دلسوزانه‌ی جناب آقای دکتر علی سلیمی استاد راهنما و از جناب آقای دکتر شهریار همتی استاد مشاور صمیمانه تشکر و قدر دانی کنم...

و همچنین از اساتید محترم گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی، جناب آقایان دکتر وحید سبزیان پور، دکتر یحیی معروف، دکتر علی اکبر محسنی، دکتر جهانگیر امیری که در دوران تحصیل، این جانب را از راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود بهره‌مند ساخته‌اند، کمال سپاسگزاری را دارم.

و نیز از همسرم که در تایپ مرا یاری نموده و محیطی آرام برای من فراهم آورده بودند، سپاسگزاری کنم.

و از تمام کسانی که به هر نحوی مرا در تدوین و مراحل نگارش این پایان‌نامه یاری نمودند از خداوند رحمان برای آنان توفیق روزافزون را مسئلت می‌جویم.

تقدیم به:

روان پاک مرحوم پدرم؛

به مادر دلسوز و مهربانم؛

همسر صبورم؛

برادران و خواهران خوبم،

دخترم هدیه‌ی با ارزش خدائیم «ساینا»

و تقدیم به:

تمام کسانی که برای بندگی خدای

رحمان در تلاش مداوم هستند.

نقد ادبی که می‌توان از آن به سخن سنجی و سخن شناسی تعبیر کرد؛ عبارت است از شناخت ارزش و بهای آثار ادبی، شرح و تفسیر آن، به نحوی که معلوم شود نیک و بد آن آثار چیست، که چه در گذشته و چه در حال حاضر پیوسته جایگاه مهمی در فرهنگ ملت‌ها بویژه فرهنگ عربی داشته و دارای رویکردهای مختلفی بوده است. محمد مندور یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های نقد عربی معاصر به حساب می‌آید، که در طول دهه‌ی چهل و پنجاه و حتی شصت میلادی با مهمترین جریانات نقد ادبی معاصر همراهی کرده و سهم زیادی در تحکیم مفاهیم بعضی از جریانات در خلال آثار ارزشمند نقدی اش داشته است. روش مندور در نقد تنها از خلال تحقیقات ادبی اش شکوفا نشد، بلکه تجربه‌های زندگی وی نیز در شکل‌گیری روش نقدی او مؤثر بود که پیشرفت و تحولش با وسعت تجربه‌هایش در فرهنگ و زندگی ارتباط داشت. در حقیقت بررسی سیر تحول نقدی مندور مستلزم فهم مؤلفه‌های فرهنگی و نشانه‌های کنش متقابل اوست، که بین تحولات فکری و بازدهی اش با تحولات انقلاب ملی مصر و صعود آن به سوی انقلاب پیشرفته ایجاد کرده بود.

مندور در دوران پژوهش‌های ادبی اش سه مرحله‌ی نقدی را پشت سر گذاشت، مرحله‌ی اول، مرحله‌ی نقد تأثری است که بر ذوق هنری متن و سخن از احساسات متن که بر روان منتقد، ذوقی القا می‌کند، استوار است. مرحله‌ی دوم نقد تحلیلی و سرانجام مرحله‌ی نقد ایدئولوژیک است، همانطور که خودش آن را نامگذاری کرده است. و در این مرحله است که با تأثیر پذیری از رئالیسم سوسیالیستی به ادب در خدمت جامعه و ادب برای زندگی فرا می‌خواند و نقد رئالیسم (واقع‌گرایی) را در ادب عربی معاصر اعتدال بخشید. او توانست در دیدگاه نقدی اش بین جنبه‌ی زیبایی‌شناسی شعر و هنر و ادای رسالت اجتماعی پیوند برقرار کند، و از جهت دیگر او با رویکردی آموزشی به نقد، اساسی‌ترین مسائل مطرح شده در آن را با زبانی ساده بیان نمود.

کلید واژه‌ها: محمد مندور، نقد ادبی، رئالیسم (واقع‌گرایی)، ادب معاصر.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: نقد ادبی و شیوه‌های آن.....
۲.....	مقدمه.....
۲.....	۱-۱- شرح و بیان مسأله.....
۳.....	۲-۱- پیشینه‌ی موضوع.....
۳.....	۳-۱- اهداف پایان نامه.....
۳.....	۴-۱- اهمیت، ارزش و کاربرد پایان نامه.....
۴.....	۵-۱- فرضیه‌های تحقیق.....
۴.....	۶-۱- روش تحقیق.....
۴.....	۷-۱- نقد ادبی در لغت و اصطلاح.....
۶.....	۸-۱- فوائد نقد ادبی.....
۸.....	۹-۱- ویژگی‌های منتقد.....
۹.....	۱۰-۱- شیوه‌های نقد ادبی.....
۱۰.....	۱-۱۰-۱- نقد تاریخی.....
۱۱.....	۲-۱۰-۱- نقد بلاغی.....
۱۲.....	۳-۱۰-۱- نقد روانشناسی.....
۱۳.....	۴-۱۰-۱- نقد تکاملی.....
۱۴.....	۵-۱۰-۱- نقد فنی.....
۱۵.....	۶-۱۰-۱- نقد جامعه‌شناختی.....
۱۷.....	فصل دوم: سیر تاریخی نقد ادبی.....
۱۸.....	۱-۲- سیر تاریخی (تحول) نقد ادبی.....
۱۹.....	۱-۱-۲- دوره‌ی جاهلی.....
۲۰.....	۲-۱-۲- دوره‌ی بعد از اسلام.....
۲۲.....	۳-۱-۲- دوره‌ی اموی.....
۲۳.....	۴-۱-۲- دوره‌ی عباسی.....
۲۶.....	۵-۱-۲- دوره‌ی انحطاط.....

۲۷	۲-۱-۶- دوره‌ی معاصر (دوره‌ی نهضت).....
۲۹	۲-۲- سیر تکامل نقد ادبی در عصر معاصر.....
۳۲	۲-۳- تأثیر پذیری نقد عربی از ادبیات غرب.....
۳۵	۲-۴- جریان‌های نقد ادبی معاصر.....
۳۶	۲-۵- اختلاف آرای منتقدان.....
۳۹	فصل سوم: شرح حال مندور و درگیری‌های او.....
۴۰	۳-۱- تولد و کودکی مندور.....
۴۱	۳-۲- دوران تحصیل.....
۴۲	۳-۲-۱- اعزام به فرانسه.....
۴۳	۳-۲-۲- بازگشت از فرانسه.....
۴۳	۳-۳- تأثیر گذاری و تأثیر پذیری مندور.....
۴۵	۳-۴- مندور و سیاست.....
۴۷	۳-۴-۱- مندور و حزب وفد.....
۴۷	۳-۴-۲- مندور در کسوت روزنامه‌نگاری.....
۴۸	۳-۵- درگیری‌های ادبی مندور.....
۴۹	۳-۵-۱- درگیری مندور و سید قطب.....
۵۰	۳-۵-۲- درگیری مندور و خلف‌الله.....
۵۲	۳-۶- تألیفات مندور.....
۵۵	فصل چهارم: بررسی آرای نقدی مندور.....
۵۶	۴-۱- سیر تحول نقدی مندور.....
۵۷	۴-۱-۱- نقد تأثری (مرحله‌ی اول).....
۶۲	۴-۱-۲- نقد تحلیلی (دوم مرحله‌ی).....
۶۳	۴-۱-۳- نقد ایدئولوژیک (مرحله‌ی سوم).....
۶۴	۴-۲- تحقیقات ادبی.....
۶۵	۴-۳- دیدگاه مندور درباره‌ی ادیبان و ادب.....
۶۸	۴-۴- مندور و جنبش نقدی معاصر.....
۶۹	۴-۵- توجه مندور به گذشتگان و غربی‌ها.....
۷۰	۴-۶- نقد در نگاه مندور.....

- ۷۲-۴ - کارکردهای نقد.....
- ۷۵-۴ - شعر مهموس.....
- ۷۹-۴ - مندور و نقد قدیم عرب.....
- ۸۲-۴ - مندور و وحدت قصیده.....
- ۸۳-۴ - مندور و رمانتیک.....
- ۸۵-۴ - مندور و شعر درون گرایی.....
- ۸۶-۴ - مندور و نوآوری.....
- ۸۷-۴ - شیوهی مندور در آموزش نقد ادبی.....
- ۹۲-۴ - مندور و روش‌های ادبی.....
- ۹۳-۴ - رئالیسم سوسیالیستی.....
- ۱۰۳-۴ - مندور و نقد اجتماعی.....
- ۱۰۹-۴ - مندور و روانشناسی.....
- ۱۱۲-۴ - مندور از نگاه دیگران.....
- ۱۱۴-۴ - جایگاه نقدی مندور در پژوهش‌های ادبی.....
- ۱۱۵-۴ - مندور و منتقدان معاصرش.....
- ۱۱۵-۴ - ۱-۲۱-۴ - عقاد از نگاه مندور.....
- ۱۱۸-۴ - ۲-۲۱-۴ - میخائیل نعیمه از نگاه مندور.....
- ۱۱۸-۴ - ۳-۲۱-۴ - احمد شوقی از نگاه مندور.....
- ۱۲۰-۴ - ۴-۲۱-۴ - مازنی از نگاه مندور.....
- ۱۲۱-۴ - ۵-۲۱-۴ - شکری از نگاه مندور.....
- ۱۲۲-۴ - ۶-۲۱-۴ - جماعت آپولو از دید محمد مندور.....
- ۱۲۳-۴ - ۲۲-۴ - مندور و دیدگاه او درباره‌ی "هنر برای هنر".....
- ۱۳۷..... خلاصه و نتیجه‌گیری.....
- ۱۴۲..... منابع و مآخذ.....

فصل اول

نقد ادبی و شیوه های آن

در این پایان نامه سعی شده است که تعاریفی از نقد ادبی و فواید آن ارائه شود و ویژگی‌های منتقد و شیوه‌های نقد ادبی بیان شود سپس سیر تاریخی نقد ادبی از دوران جاهلی تا زمان معاصر بررسی شده است که به طور جداگانه سیر تکامل نقد ادبی در عصر معاصر و تأثیر پذیری نقد عربی از ادبیات غرب، مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است. و در ادامه شرح حال دکتر مندور از جمله دوران تحصیل ایشان و وارد شدن در کار سیاسی و درگیری‌هایش با افراد مختلف پرداخته شده است در نهایت به مراحل نقدی سه‌گانه‌ی مندور؛ نقد تأثیری نقد تحلیلی، نقد ایدئولوژیک و معرفی و بررسی آرا و اندیشه‌های نقدی مندور، دیدگاه‌های مندور در مورد ادیبان، ادبیات قدیم و جدید و کارکردهای نقد، نقد اجتماعی، مفهوم نوآوری نزد مندور و شیوه‌ی نقدی او که شیوه‌ی آموزشی است پرداخته شده است.

۱-۱- شرح و بیان مسأله

آرای نقدی محمد مندور همواره مورد توجه ناقدان معاصر قرار گرفته است، به طوری که کمتر کتاب ادبی معاصری یافت می‌شود که از آرای وی بهره نگرفته باشد، و اما در ایران و بین دانشگاهیان آنچه‌چنان که شایسته‌ی جایگاه بزرگ این ناقد عربی است کاری به عمل نیامده است و از طرف دیگر او از کسانی است که ساختارهای زیباشناختی‌اش چنان وسیع است که می‌تواند قریحه‌ی اعصار بعدی را راضی سازد. و از آنجایی که در دوره‌ی نهضت مکتب‌های زیادی پا به عرصه نهادند و نویسندگان و شاعران را تحت تأثیر خود قرار دادند، مندور نیز با تأسی از فرهنگ فرانسه، رویکردی جدید بر نقد افزود و این سؤال به ذهن خطور می‌کند که مندور در بین این مکتب‌ها از چه جایگاهی برخوردار است؟ و از چه مکتبی جانبداری می‌کند؟

آیا به عنوان یکی از طرفداران نظریه‌ی هنر با ادای رسالت اجتماعی در مقابل طرفداران نظریه‌ی هنر برای هنر توانست بین زیبایی‌شناسی شعر و هنر با ادای رسالت اجتماعی پیوند برقرار کند؟

و این که او با چه رویکردی به این شیوه می‌پرداخت؟ و در نهایت با عنایت به این که مندور اصطلاح شعر مهموس (نجوایی) را بکار برد، می‌توان او را مبدع این نظریه در ادبیات معاصر عرب دانست؟

۱-۲- پیشینه‌ی موضوع

بنابر تحقیقات صورت گرفته شخصیت و آرای نقدی مندور در ایران به عنوان پایان‌نامه ارائه نشده است، اما در سال ۱۹۷۳ میلادی در دانشگاه سوربن فرانسه دکتر محمد براده از کشور مغرب محور پایان‌نامه‌اش محمد مندور و نظریه‌پردازی بود که ظاهراً به عنوان کتابی با نام «محمد مندور و تنظیر النقد العربی» به چاپ رسیده است، مرحوم دکتر علی شریعتی کتاب «فی الأدب و النقد» را به عنوان پایان‌نامه‌ی دوره‌ی لیسانس و دکتر عباس طالب‌زاده شوشتری هم کتاب النقد و النقاد المعاصرون را ترجمه کرده است اما بقیه‌ی آثار این منتقد بزرگ به صورت عربی است و این که کتاب‌ها و منابع زیادی در مورد ایشان وجود دارد تا حدی که به ندرت، کتاب‌های نقدی یافت می‌شود که نامی از او به میان نیاورده باشد، به همین دلیل احساس می‌شود (و امید می‌رود) که بتوان تحقیق در خور توجهی در مورد آرای نقدی او به انجام رساند.

۱-۳- اهداف پایان‌نامه

در این پایان‌نامه تلاش نگارنده بر این بود که در حد توان با آثار این ناقد بزرگ و بازشناختن آرای وی در نقد ادبی و تأثیر و تأثر وی از سایر ادیبان و منتقدان، نقد را به شیوه‌ی صحیحی معرفی نماید و آرای مندور مقیاسی در نقد ادبی معاصر قرار گیرد.

۱-۴- اهمیت، ارزش و کاربرد نتایج پایان‌نامه

نظر به اهمیت نقد ادبی معاصر و ضرورت توجه به آن، این پژوهش آرای نقدی محمد مندور را مورد بررسی قرار می‌دهد تا دستاوردهای نقدی و عملکردهای او را به خوانندگان آثار نقدی معرفی کند. در نتیجه خواهندگان و مشتاقان این علم با اطمینان خاطر بیشتر بتوانند جهت کار در این زمینه قدم بردارند که بنابر بررسی‌های به عمل آمده در مورد شخصیت مندور و آرای نقدی وی چنین برداشت می‌شود که او در زمینه‌ی نقد ادبی دارای شیوه‌ی بخصوصی است و از جهت دیگر این پایان‌نامه در حد توان سعی در معرفی نقد ادبی و شیوه‌های آن دارد، که امید است این پایان‌نامه در این راستا این مسأله باشد.

۱-۵-۵- فرضیه‌های تحقیق

- در دیدگاه نقدی محمد مندور بین جنبه‌ی زیبایی‌شناسی شعر و هنر از یک سو و ادای رسالت اجتماعی از سوی دیگر پیوند برقرار شده است.
- محمد مندور نقد رئالیسم (واقع‌گرایی) را در ادب عربی معاصر اعتدال بخشید.
- سبک مندور در نقد، شیوه‌ای آموزشی است، که طی آن اساسی‌ترین مسائل مطرح شده در نقد را بیان نموده است.

۱-۶-۶- روش تحقیق

مبتنی بر بررسی و تحلیل منابع مربوطه و توصیف آنها.

۱-۷-۷- نقد ادبی در لغت و اصطلاح

نقد ادبی از دو کلمه‌ی نقد و ادب تشکیل شده؛ اولی نقد، که معمولاً به معنی عیب می‌باشد و گاهی هم به معنی ساختار چیزی و حکم‌دادن بر خوبی یا بدی آن اطلاق می‌شود و دیگری ادبی، منسوب به ادب است و بهترین تعریف از ادب، آن تعبیری است که از زندگی و یا قسمتی از آن به بیانی زیبا صورت می‌پذیرد، در نتیجه "نقد به معنای عرضه کردن آثار ادبی به منظور شناخت محاسن و معایب آن است اما با مرور زمان فقط بر معنای عیب محدود شده و در اصطلاح هنرمندان ارزش‌گذاری اثر هنری و شناخت ارزش و درجه‌ی آن است و ارزش‌گذاری و شناخت می‌تواند در یک اثر ادبی باشد یا یک نقاشی یا یک آهنگ موسیقی و یا غیره..." (امین، ۱۹۶۷م، ص ۱۷۹)

احمد بن فارس (متوفی ۳۹۵ه) هم در معجم مقاییس اللغة در مورد کلمه‌ی نقد می‌گوید: {ن، ق، د} ریشه‌ی اصلی و صحیحی است که بر ابراز کردن چیزی و برجستگی آن دلالت می‌کند از جمله (النقد فی الحافر) همان پوست برجسته‌ی سم است که این بدین معناست اصل و ریشه‌ی کلمه‌ی نقد یعنی آشکار کردن و برجسته‌ی نشان دادن و پرده برداری از حالت چیزی است از نظر نیکی و زشتی آن. (العاکوب، ۲۰۰۵م، ص ۱۷) که منتقد هم باید بر اساس آن، زیبایی یا زشتی اثر ادبی را برجسته کند.

گروهی از صاحب‌نظران نقد ادبی را نوعی توجیه و تفسیر ادبی به شمار می‌آورند که در صدد بیان برخی نکته‌ها در مورد متن ادبی است و آن هم مطابق با برداشت شخصی خود، از جمله شوقی ضیف نقد ادبی را چنین تعریف می‌کند "نقد به تجزیه و تحلیل آثار ادبی و ارزشیابی آن‌ها از نظر فنی گفته می‌شود و معتقد

است که نخستین بار این واژه به این صورت در عصر عباسی بکار رفته است، ولی قبل از آن، این واژه در چند معنا مورد استفاده قرار گرفته است از آن جمله به معنی نکوهش و بدگویی کردن، و در نزد زرگران به معنای جدا ساختن درهم و دینار اصل، از تقلبی به کار رفته است، محققان با ذوق و قریحه‌ی ادبی که داشته‌اند این واژه را در سنجش نیکویی، بدی، زیبایی و نازیبایی آثار ادبی به کار برده‌اند". (ضیاف، ۱۳۶۲، ص ۱۳)

دکتر احسان عباس نیز موضوع نقد را مورد تأکید قرار داده است و آن را چنین تعریف می‌کند: "حقیقت نقد عبارت است از بیان دیدگاهی کلی و متکامل در نگرش به هنر به طور عام و شعر به طور خاص، که با فهم آن قدرت تشخیص، شروع می‌شود و به تفسیر، علت‌یابی، تحلیل و ارزش‌گذاری آن منتهی می‌شود، این گام‌ها در نقد هیچ یک نیاز به دیگری را برطرف نمی‌سازد و باید به این ترتیب پیش روند تا دیدگاه انتقادی، دارای شیوه‌ای واضح و بر قواعد جزئی و کلی استوار باشد". (عباس، ۱۹۹۳، ص ۶۴۶)

در میان ادیبان پارسی زبان نیز دکتر شمیسا بر این باور است که: "تعریف نقد ادبی در نزد قدما با آنچه امروزه از آن استنباط می‌شود متفاوت است، در نزد قدما مراد از نقد معمولاً این بوده است که عیب‌های اثری را بیان کنند و مثلاً در این که الفاظ آن چه وضعی دارد یا معنای آن برگرفته از اثر دیگری است و به طور کلی از فراز و فرود لفظ و معنا سخن گویند. و این معنا از خود لغت نقد فهمیده می‌شود زیرا نقد جدا کردن سره از ناسره است و در گذشته گاهی در دینار تقلب می‌کردند و به آن مس می‌آمیختند و در این صورت عیار طلا پایین می‌آمد. در روزهای نخست تشخیص مس آمیخته با طلا، با چشم میسر نبود. و زرگر با محکی که به سکه می‌زد درستی یا نادرستی آن را مشخص می‌کرد و عیار آن را می‌سنجید، لذا در مقام تشبیه، آثار ادبی را هم به طلا مانند کرده‌اند که ممکن است مغشوش باشد و ناقد آن ناخالصی‌ها را با محک نقد ادبی مشخص می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱) با توجه به معنای لغوی کلمه‌ی نقد (تشخیص درهم و جدا کردن تقلبی از آن یعنی جدا کردن سره از ناسره) و معنای اصطلاحی آن (تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن خوب و بد اثر ادبی) می‌توان گفت که نقد به معنای تمیز دادن و تشخیص است، با توجه به تعریف خوب و بد نزد منتقد، بنابراین هر موجود زنده‌ای بر اساس فطرت خود یک منتقد است و ذاتاً دارای این توانایی است آنچه را که نیاز دارد از میان اشیاء دیگر تشخیص دهد و آن را انتخاب کند که به معنای نقد کردن آن چیز یا آن کس بوده است زیرا درست را از نادرست تمیز داده، و این که شیء مورد نظر خود را، انتخاب کرده بدین معنا است آنچه را که انتخاب نکرده، مورد قبولش واقع نشده است و با این کار آنچه را که پسندیده، خوب تشخیص داده است، بدین معنا که "وقتی کسی به متنی واکنش نشان می‌دهد، در واقع همچون منتقدی ادبی به عمل نقد پرداخته است، {که} می‌توان گفت هر خواننده‌ای هوادار نوعی نظریه‌ی ادبی است، {اما} با وجود این، نظریه‌ی هر خواننده ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه، کامل یا ناقص، مبتنی بر اطلاعات دقیق یا فاقد اطلاعات درخور، التقاطی و یا یکدست باشد". (برسler، ۱۳۸۶، ص ۳۱) ولی در هر حال به عمل نقد پرداخته است!

آدمی از دوران گذشته تا کنون درباره‌ی پدیده‌ای واحد، هم براساس شواهد، دلایل و قراین به تبیین پرداخته، وهم به اتکای افسانه، اسطوره و رؤیا. ترجیح یکی از این دو نحوه‌ی تبیین بردیگری همان نکته‌ای است که پای معرفت‌شناسی را به میان می‌کشد. (شمس، ۱۳۸۴، ص ۱۱) از این رو نقد را می‌توان در رده‌ی معرفت‌شناسی قرار داد، زیرا " معرفت‌شناسی همان زمینه‌ی فلسفی است که امکان ارزیابی باورها را با هدف تشخیص موارد واقعی معرفت از میان ادعاهای معرفت فراهم می‌آورد. (همان، ص ۱۸) و منتقد هم با توجه به شناخت در تشخیص منظور واقعی نویسنده و صاحب اثر به خوانندگان کمک می‌کند آن را بهتر بفهمند و مانع از برداشت اشتباه آنان می‌شود.

۱-۸- فواید نقد ادبی

به گفته‌ی سیروس شمیس‌لازم است در هر قرنی کسی پیدا شود وادیات پیش از خود را نقادی کند، زیرا هر نسل دیدگاه نوینی در باب ادبیات دارد. (شمیس، ۱۳۸۳، ص ۲۰۳) و از کاربردهای نقد، معرفی دلایل ارزش هنری آثار گرانسنگ ادبی به خوانندگان جهانی است و برعکس، که اگر نقد و نقادی آثار ادبی نباشد ارزش واقعی بسیاری از آثار روشن نمی‌گردد و اگر منتقدان آثار ادبی نبودند بسیاری از منابع و آثار که امروزه از منابع درجه یک ما به حساب می‌آیند بر ما نامشخص بود و نیز نام بسیاری از افراد و اشخاص همچنان بر ما پوشیده می‌ماند، اگر منتقدان نبودند، شکسپیر تا این حد جهانی نمی‌شد و همچنان مانند زمان خود و سال‌های بعد از آن هم، بی‌نام و نشان بود چون باید یادآور شد که هم‌دوره‌های شکسپیر از او و آثار او در زمان خود شکسپیر مشهورتر بودند، از جمله مارلو^۱ و بن جانسن که هم عصر شکسپیرند، در نظر کسانی که با او هم‌عصر بودند عظمت بیشتری داشتند^۲ و این منتقدان بودند که او را شناخته و آنچه‌ان که شایسته‌ی جایگاه او باشد به دیگران معرفی کردند از جمله‌ی این افراد^۳ منتقد بزرگ آلمانی لسینگ است که در اشتهار نام شکسپیر سهیم بوده است و شکسپیر را که نزدیک سه قرن گمنام بود به جهان معرفی کرد " (مندور، ۱۳۷۴، ص ۱۷۴) و ما هم در این باره با میخائیل نعیمه هم‌صدا می‌شویم و می‌گوییم " ای کاش! می‌دانستیم آیا شکسپیر روزی که داستان‌ها و شعرهایش را می‌نوشت، می‌دانست که (آنها) جاودان خواهند شد؟ یا این که برای پرکردن اوقات خود آنها را می‌نوشته و گمان می‌کرده با مرگش آثارش هم خواهند مرد؟ (مندور، ۲۰۰۶، ص ۲۸) به عبارت دیگر، منتقدان با نقد آثارش توانستند او را به جهان معرفی کنند، زیرا کار نقد پل ارتباطی بین نویسنده‌ی اثر ادبی با خواننده‌ی عادی است از این گذشته بهره‌ی واقعی از همه‌ی آثار ادبی به آسانی برای همه کس میسر نیست و ادراک تمام لطایف فکری و ذوقی که در این آثار هست درجه‌های مختلف و مخصوصی از تربیت و تهذیب لازم دارد، در این صورت شکی نیست که استفاده‌ی

^۱ - مارلو، شاعر دراماتیک انگلیسی، نویسنده‌ی زندگی و مرگ دکتر فاوست

درست و "التذاذ واقعی عامه‌ی مردم از این آثار، نیاز به کمک و راهنمایی کسانی دارد که در آن آثار، دقت بیشتر کرده‌اند و نکات آن را بهتر درک نموده‌اند و این نیز جز به مدد نقد ادبی میسر نخواهد بود." (زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۲۵) و از طرفی نقد باعث می‌شود که افراد از جزم‌گرایی^۲ دوری گزینند زیرا "اصطلاح جزم‌گرایی، امروزه معمولاً درباره‌ی شخصی به کار می‌رود که نه تنها بر درستی باورهاش اصرار می‌ورزد بلکه گمان دارد دیگران نیز باید این باورها را بپذیرند. (شمس، ۱۳۸۴، ص ۲۳)

باید به این نکته هم توجه کرد که پیش‌نیاز نقد، شناخت است و شناخت زمانی حاصل می‌شود که دریچه‌ی ذهن به روی اندیشه‌ی دیگران باز گردد. متفکر اسلامی، ابو حامد محمد غزالی می‌گوید. "با یقین دریافتم که هیچ کس نمی‌تواند بر فساد هر دانشی پی ببرد مگر این که آن را نیکو بیاموزد و با دانستارین آن، برابری کند سپس بر دامنه‌ی معلوماتش بیفزاید و از مرزهای علمی آنان در گذرد و بر حقیقت‌هایی دست یابد که طرفداران اصلی آن علم هنوز نتوانسته‌اند به‌کُنه آن دست یازند، هرگاه چنین امکاناتی میسر شد شخص می‌تواند به نقد آن دانش بپردازد. (غزالی، ۱۳۶۰، ص ۳۰) در نتیجه منتقدی که اندیشه و فکری را به چالش می‌کشد در سالم‌ترین فرض، قصد در روشن نمودن موضوع و یا دیدگاه نویسنده‌ی آن دارد. منتقد خواسته است تا با چراغ خود، بنمایاند که راه پیش‌رو تا چه حد بر صواب است یا بر خطا.

نکته‌ی قابل توجه این است که "نقد خلاق، فقط به بیان محاسن و معایب نمی‌پردازد بلکه آنچه را باعث پیشرفت ادبیات می‌شود و افق‌های جدیدی را از هنرها، شیوه‌های جدید و سودمند، افکار و آراء مستعد را فرا روی آن‌ها قرار می‌دهد، نیز مورد بررسی قرار می‌دهد." (الشایب، ۱۹۹۳ م. ص ۱۷۲)

پس به طور خلاصه می‌توان اهمیت و فایده‌ی نقد ادبی را به ترتیب زیر نام برد.

- ۱- نقد ادبی امکان درک نکته‌های بدیع و لطیف آثار را فراهم می‌کند، در نتیجه خواننده می‌تواند از مطالعه‌ی آثار ادبی بهره ببرد.
- ۲- با آشکار کردن ارزش واقعی آثار ادبی مشخص می‌کند که رعایت چه قواعد و اصولی سبب شده تا اثری مورد قبول واقع شود و یا چه عواملی سبب شده تا اثری مورد بی‌مهری قرار گیرد؟
- ۳- نقد ادبی، مانع از آن می‌شود که گزافه‌گویان و مدعیان دروغین بتوانند آثار بی‌ارزش خود را به جویندگان و طالبان هنر عرضه کنند.
- ۴- نقد ادبی، وقتی مفید خواهد بود و اهمیت دارد که دور از شایبه‌ی اغراض باشد.
- ۵- نقد ادبی، گذشته از این که سازنده و دارای اهمیت فراوان است گاهی خود، نوعی آفرینش هنری نیز به حساب می‌آید.

۶- نقد اگر دارای اصول باشد مردم عادی را در ارزش‌گذاری ادب و درستی حکم، کمک می‌کند و^۱ با نقد ادبی همواره ادبیات و علوم ادبی متحول و پویا می‌ماند زیرا منتقد در بررسی آثار والا از آن بخش از ابزارهای ادبی استفاده می‌کند که کارآمدست و خود به خود برخی از ابزارهای علمی و فنی فرسوده از دور خارج می‌شوند و در نتیجه‌ی بررسی آثار والا، معیارها و ابزارهای جدیدی را کشف می‌کند و به ادبیات کشور خود ارزانی می‌دارد". (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۲۳)

۷- نقد ادبی می‌کوشد تا آثار ادبی را به خوانندگان آن‌ها بشناساند و بی آن‌که دست به خلاقیت ادبی بزند عملاً به نوعی باز آفرینی می‌پردازد. یعنی آنچه نقد ادبی پیش‌روی دارد عبارت است از: شرح، تفسیر، ارزش‌گذاری، و ارائه‌ی دلایل و توجیهاتی مستند، برای ارزش‌گذاری‌ها. و بدین ترتیب نقد ادبی می‌کوشد تا کار خود را با کیفیت‌های ذوقی محض که غالباً نیازی به ارائه‌ی دلیل برای رد یا پذیرش ندارند، نیامیزد.

۸- اگر نقد، علمی و بی‌طرفانه باشد موجبات تفکر، شناخت درست و اشراف، به همه‌ی نحله‌های فکری را فراهم می‌آورد و در نتیجه تفکر منطقی و خردمندانه جای شعارپردازی و پوپولیسم (عوام‌زدگی) را می‌گیرد. (صمدی، ۱۳۸۶، ص ۵۷)

۹- مهمتر از تمام این موارد، از طریق فعالیت موشکافانه {در نقد ادبی} می‌توانیم به بررسی پرسش‌هایی پردازیم که ما را در ارائه‌ی تعریفی از انسان بودن خود، ارزیابی اعمال‌مان و یا دست‌کم افزایش میزان شناخت و لذت‌مان از آثار ادبی و حتی هموعان‌مان یاری رساند. (برسler، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

۱-۹- ویژگی‌های منتقد

بسیاری براین باورند که یک منتقد خوب، خودش نیز باید یک شاعر یا نویسنده‌ای چیره‌دست باشد تا بتواند درباره‌ی آثار ادبی دیگران قضاوت کند و اثری را بر اثری دیگر ترجیح دهد که این پندار به گفته‌ی دکتر زرین کوب خطایی، بیش نیست. (زرین کوب، ۱۳۸۳، ص ۱۹) و نعیمه هم بر این اعتقاد است که "منتقدان هم مانند شاعران و نویسندگان دارای طبقاتی هستند، پس آنچه درباره‌ی فردی از آنان گفته می‌شود درست نیست درباره‌ی تمام آن‌ها گفته شود، اما صفتی وجود دارد که منتقد فقط به وسیله‌ی آن منتقد می‌شود و آن نیروی فطری تشخیص است، نیرویی که برای خود، قواعد بوجود می‌آورد و قواعد، آن را بوجود نمی‌آورد. بنابراین منتقدی که برحسب قواعدی که غیر او وضع نموده، کار نقد را انجام دهد، نه تنها به خود و کسی که نقدش کرده سودی نمی‌رساند، بلکه برای ادب هم سودمند نیست." (مندور، ۲۰۰۶، ص ۲۷) و در ادامه می‌افزاید که "منتقد، یک تولیدکننده است زیرا در آنچه که نقد می‌کند، در واقع خویشتن را کشف می‌نماید، او هرگاه موضوعی را زیبا می‌بیند نه به خاطر آن است که در ذات خود زیباست بلکه به خاطر آن است که با آرای او در مورد زیبایی مطابقت دارد و در مورد موضوع زشت نیز